

۳۰ اردیبهشت خرداد ۱۳۶۲
در بیان



برنامه حزب کمونیست ایران

مصوب:

کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۳۶۲



برنامه

حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۳۶۲

مطبوع گنگره موسس حزب کمونیست ایران

کمونیستها همیشه ملزم بوده اند که نظرات، اهداف و مایلات خود را به روشن ترین وجه بیان دارند، بیار طیفه، کارگران ایران به رهبری مصمم و انقلابی وجود احزاب و سروهای متعدد شورزواشی در ایران و جهان که رباکاران تحت نام کمونیسم سخن میگویند، سرالزوم ادای این وظیفه بیش از پیش تا کید میکنند.

ما در پاسخ به این وظیفه اعلام می‌داریم که کمونیست هستیم، پرثوری ما رگس، انگلس و لنین انکا داریم و بر صحت و حقانیت آموزشهای این ثنوری پای می‌ساریم. این ثنوری راه مبارزه ما را روشن نموده است. این ثنوری اهداف و شیوه‌های کمونیست‌ها را بوضوح داده و تا کید کرده است که وظیفه حزب پرولسری سرمایه بردازی برای نوسازی و اصلاح سرمایه‌داری و موعظه خوانی برای سرمایه‌داران درباریه بود و وضع کارگران نیست، توسل به قریب و توطئه و معامله‌گری برای تسل به قدرت نیست، بلکه ما را بدهی مبارزه، طبقاتی پرولتاریا و رهبری این مبارزه در تمام وجوه است. مبارزه ای که تصرف قدرت سیاسی توسط طیفه، کارگرو سارمان دادن جامعه، سوسیالیستی، هدف نهائی آن را تشکیل میدهد.

ما کمونیستها منافعی جدا از منافع طیفه کارگر نداریم و معتقدیم که طیفه کارگر به نیروی خود آزاد می‌گردد، بی وظیفه خود را این قرار داده ایم که در همه جا تمام منافع کارگران و سرمایه‌داران را افتاء کنیم،

میایی استنما رومشقات طبقه‌کا رگر درنظا م سرما به -
داری را روشن نمائیم و میا رزه طبقائی کا رگران را در
جهت پیروزی انقلاب اجتماعی پرولتاریا، که نه تنها
طبقه‌کا رگر بلکه تمام بشریت را رها خواهد ساخت،
سازماندهی ورهبری کنیم:

از اینرو ما برنا مه خود را اعلام میداریم، تسوده‌های
وسیع طبقه‌کا رگر را به میا رزه تحت این پسرجم‌فرا
میخوانیم و برای تحقق کا مل و همه‌جانبه‌ای برنا مه
با پیروی جنبش انقلابی طبقه‌کا رگر پیگیری به میا رزه
می‌کنیم.



۱.

ایران کشوری سرمایه‌داری است. املاحات ارضی دهه‌چهل
جریان طولانی و گند تحول شیوه تولیدی ایران ارفشودالی به
سرمایه‌داری را به فرجام رسانید. املاحات ارضی، میلیونها روستائی
را که در نتیجه آن خلع ید شده بودند به بازار کارمردی، عمدتاً در
شهرها و به درجه کمتری در روستا، روانه کرد و آن ارتس و سیع
کا رگران مزدی را که شرط لازم تسلط تولید و استنما ر سرما به‌داری
است، بوجود آورد. این خلع ید که اساساً بر مبنای نیازهای
سرمایه‌امپریالیستی صورت گرفت، ایران را بمشابه یک کشور
تحت سلطه‌امپریالیسم به جرگه کشورهای سرمایه‌داری گشاید.
بدینسان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای سرمایه‌داری،
مبارزه استنما رشوندگان علیه استنما رکنندگان بهر محور میا رزه
پرولتاریا و بورژوازی بمشابه طبقات تاملی جا معه شکل میگیرد.

۲.

خملت جهانی نظام سرمایه داری به جنبش عظیم طبقه کارگر برای رهایی، ناگزیر جنبشی جهانی می بخشد. مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه داری مبارزهای سینه‌المللی است. اما طبقه کارگر هر کشور باید در وهله اول کار را با بورژوازی کشور خود بکسره کند.

۳.

حزب کمونیست ایران حزب پیشرو طبقه کارگر ایران و یکی از گردانهای ارتش جهانی طبقه کارگر است، و برای همان هدفی مبارزه میکند که کمونیستهای سراسر جهان پیش روی خود قرار داده‌اند. این هدف که بوسیله خصوصیات بنیادی جامعه سرمایه داری و روند سکویس و توسعه آن معین گشته است، سرچیدن نظام سرمایه داری و جایگزینی آن با سوسیالیسم است.

۴.

نظام سرمایه داری منشاء و عامل بقای تمام متفکات و محرومیت‌های مادی و معنوی و موقعیت ناامن و ناسامان کارگران و بنوده‌های رحمتکش و شهیدت در سراسر جهان است. این نظام سبب فقر و فلاکت و محطی، سیکاری و بی خانمانی و جنگ، تبعیضات اجتماعی و بی حقوقی سیاسی، تبعیض نژادی، ستم‌مندی و ستمگشی زن، جهل، فحشاء و اعتیاد و کلیه ممانت‌گرینا بگرنوده‌ها است. خصوصیت اصلی این نظام کالاشدن نیروی کار و استثمار کار مزدی است. در این نظام بخش اعظم و عمده وسائل تولید و مواد اولیه در مالکیت خصوصی و یا تحت اختیار طبقه‌ای است که اقلیتی با چیز را در جامعه در بر میگیرد و برای کسب سود هر چه بیشتر، اکثریت عظیم جامعه را که عمدتاً از پرولترها و بنیعه پرولترهایی تشکیل

میشود که برای ادامه حیات دائمی یا متناوباً با جاری کردن سرمایه
سرمایه‌ها را تجدید می‌کنند، استثماری می‌کنند. در این نظام هرگز
کارگران به‌شروع و تولید کار نمی‌کنند و به‌شروع احتیاجی ندارند،
سرمایه قدرت اجتماعی بیشتری می‌یابد، هر چه سرمایه‌دار بیشتر
میشود، توده‌های وسیع کارگران و زمین‌داران با سرمایه‌های
های اجتماعی عمیقتری دچار می‌گردند.

رفاهیت و هرج و مرج تولید اجزاء لایسخرای تولید سرمایه‌داری
هستند و دقیقاً از درون و بحرایی این هرج و مرج تولید است که
توانستن کور اقتصاد را حاکم سرمایه‌داری، خود را اعمال می‌کنند
و بنا بر این و عواقب فلاکتنا را خود را به‌شروع می‌آورند. همراه با این
و مرکزها گریز و روزافزون سرمایه، از یکسو استثماری‌ها
کارگران و سایر طبقات دیگر از سوی دیگر هرج و مرجی را تولید
کنندگان خرید و ورستی‌ها کشیده شده و به‌شروع طبقه کارگران
میشود و با در شرایط فلاکتنا سرمایه‌داری و استثماری می‌گردند.
همچنین بحرانهای اقتصادی ادواری و مکرر سرمایه‌داری که نتیجه
اجتناب ناپذیر نظام است، یعنی تضاد میان حملات
اجتماعی تولید و حملات خصوصی مالکیت سرمایه‌داری است. هر
بار که سرمایه‌داری تضادها را می‌آفریند و شکاف میان فقر
و غنی را عمیق و گسترش بیشتری می‌بخشد.

۵.

اما نابودی سرمایه‌داری اجتناب ناپذیر است. چه این نظام در
سرمایه‌داری خود ضرورت و شرایط نابودی خود را فراهم می‌آورد. نظام
سرمایه‌داری از یکسو دلیل تضادهای اجتماعی است و از سوی دیگر
از آن رو که همراه با این تضاد سرمایه‌داری، عرضه و تقاضای هر چه بیشتر
سرمایه‌داری می‌شود. به‌شروع استثماری دیگر این نظام در

بطن خودگورکن خویش یعنی پرولتاریا را بوجود میآورد. در روند توسعه سرما به داری بر شما رکارگران افزوده می شود، قدرت و همبستگی طبقه کارگران افزایش مییابد، پرولتاریا قدرت خود را بیشتر در مییابد و نبرد و برضداست شما رگران حادثه پروپرئوآنتر میشود. بعلاوه رشد قدرت تولیدی و اجتماعی شدن هرچه بیشتر تولید در نظام سرما به داری، مقدمات و امکان مادی تحقق سوسیالیسم را فراهم میسازد.

همراه با توسعه سرما به داری نا رضایتی عمومی از وضع موجود شدت میگیرد، اما در مقابل تمام اقشار غیر پرولتر که به درجات مختلف در حفظ بنیادهای سرما به داری دینفعند، این تنها پرولتاریاست که بدلیل جایگاه ویژه خود در تولید اجتماعی، تنها طبقه آحرانقلابی و فادربه ناسودی نظام سرما به داری است.

۶. انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا از استشارگران خلع شد میکند و مانند تولید و مبادله را که با کار و تلاش و به قیمت مشقات و محرومیت های میلیونها کارگر و رحمتکش بوجود آمده اند، از مالکیت خصوصی و احتیاط طبقه سرما به دار خارج کرده و در احتیاط رکل جامعه قرار میدهد. جایگزینی مالکیت اجتماعی بجای مالکیت خصوصی امکان میدهد که نیروهای مولد عظیم و دستآورد های مادی و معنوی گوناگون جامعه در همه زمینه های علوم، تکنولوژی و فرهنگ که در نظام سرما به داری تنها در جهت سودآوری هرچه بیشتر سرما به داری گرفته میشوند، در خدمت رفیع نیازهای مادی و معنوی توده مردم درآیند. رقابت جای خود را به تعاون و همکاری همگانی میدهد و تولید سوسیالیستی سازمان یافته و برنامهریزی شده به جای هرج و مرج تولید سرما به داری می نشیند.

بدین ترتیب انقلاب اجتماعی پرولتاریا به تمامی اشکال
بپرده‌گشی بخشی از جامعه از بخش دیگر و به تقسیم جامعه به طبقات
استعمارگر و استعمارشونده و طبقات بالادست و فرودست پایان
میدهد و جداگشرفاه و ارتقاء همه جانبه زندگی آحاد مردم را تا مین
میکند. بدینسان انقلاب اجتماعی پرولتاریا بشریت را به جامعه
کمونیستی رهنمون میشود. جامعه‌ای که در آن همراه با طبقات،
دولت نیز زوال یافته و بشریت برای نخستین بار سرکارمان
اجتماعی خود مسلط خواهد شد و در نتیجه به معنای واقعی آزاد خواهد
گشت.

۷

شرط لازم تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا و سرقراری
سوسیالیسم، درهم‌گوشیدن ماسین دولتی بورژوازی، تسخیر قدرت
سیاسی توسط طبقه کارگر و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا است.
دیکتاتوری پرولتاریا، پرولتاریای سازمان یافته به معنای
طبقه کارگر است. این دولت نوین و طبقه به فرجام رساندن انقلاب
اجتماعی و سرکوب مقاومت استعمارگران را به عهده دارد.
دیکتاتوری پرولتاریا، دمکراسی برای کارگران و توده‌های وسیع
رحمکش و ستمدیده و سرکوب برای استعمارگران است و این کامل-
ترین و عالیترین نوع دمکراسی است.

۸

برای آنکه طبقه کارگر به انجام رسالت تاریخی خود نائل
شود باید که در حرب مستقل طبقاتی و ستاد رهبری کسب کرده مبارزه خود
علیه سرمایه‌داری، یعنی حرب کمونیست متحد و منسکل شود. حزبی

که با انکار تئوری مارکس، انگلس و لنین کلیه وجوه مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی را سازمان داده و طبقه کارگر را در انجام انقلاب اجتماعی رهبری مینماید. حزبی که علاوه بر این، چاره‌ناپذیری منقبات و محرومیت‌های ساپرنوده‌های تحت ستم و استثمار در چها رچوب نظام سرما به داری را برای آنان توضیح داده و آنان را در مبارزه برای رهاشی کامل، به ترک موضع طبقاتی خود و پیوستن به صفوف پرولتاریای انقلابی فرا میخواند.

۹

از ابتدای قرن بیستم سرما به داری به مرحله امپریالیسم یا پیا ده است. امپریالیسم یا مرحله انحصاری سرما به داری، عصری است که در آن انحصارات و سرما به مالی سادات بسدست آورده و رقابت آزاد میان افشار و آحاد سرما به را تحت الشعاع خود قرار میدهد. در عصر امپریالیسم صدور سرما به به منظور کسب فوق سود، یعنی سودی مافوق آنچه انحصارات از بهره‌کشی از کارگران کشورهای امپریالیستی بسدست میآورند، اهمیت فوق العاده‌ای پیدا میکند و تمام کشورهای جهان زیر بوغ سرما به و امپریالیسم کشیده میشوند. در این عصر سراسر جهان از طرف انحصارات بزرگ امپریالیستی و دولتهای امپریالیست از نظر اقتصادی و ارضی تقسیم می گردد. جنگهای امپریالیستی که در ادامه کشمکشها و رقابتهای سمانه میان انحصارات و دول امپریالیستی مختلف بخاطر اسبلا بر جهان و یا تجدید تقسیم آن، بمنظور تسلط بر بازارهای کار و کالا و منابع مواد خام و به قمدان قباد و الحاق ملت‌های کوچک و ضعیف تر بر پا میشوند، در این عصر اجتناب نا پذیرند. دو جنگ جهانی و خاتمان بر انداز اول و دوم به همین منظور بر پا شدند.

شدید بحرانها و بیکاری و خانه خرابی مرمس میلیونها

انسان در سراسر جهان، سرکوب مستمرو حوسین کارگران و خلقهای
سخت ستم‌کننده‌های مختلف، میلیتاریسم و ارتجاع سیاسی در
اشکال گوناگون، همه بیابانگرایی واقعیت است که امپریالیسم
بمنا به بالاترین مرحله سرمایه‌داری تمام خصوصیات استثمارگرانه
و تضادهای بنیادی اقتصادی این نظام و سرتما مستمگریها و
تضقات ناشی از آن را شدت میبخشد.

نظریه عوام‌مل فوق، امپریالیسم به سنها یا لاترین مرحله
سرمایه‌داری، بلکه مرحله گنبدیگی، احتفای روزوال آن سیزهست.
عصرا امپریالیسم در عین حال عصرا انقلاب سوسالیستی
پرولتاریاست.

۱۰.

یکی از مواضع اصلی سدراده‌سار رده‌ظرفانی پرولتاریا برای
سوسالیسم، روزیونیم است. روزیونیم یک پدیده
بین‌المللی است و با وجود اینکه در هر کشور ممکن است مضمون و
شکل ویژه‌ای بخود پیدا برد، اما با بمعنای عدول از معنای بنوری
و برنا معانی انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و تحریف سوزوایشی آن
است که در زمینه سیاسی بمعنای نفی مبارزه طبقانی و دیکتاتوری
پرولتاریاست. روزیونیست‌ها و احزاب مختلف روزیونیست‌که
در کشورهای مختلف نمایندگان فکری و عاملین نفوذ سوزوایشی
در صفوف جنبش انقلابی طبقه کارگر می‌باشند، نفی حرکتانیدن
پرولتاریا به در بر طبقه سوزوایشی ندارند. لذا، مبارزه برای
سوسالیسم از نقطه نظر پرولتاریای انقلابی از مبارزه علیه
روزیونیم و اشکال متنوع آن جدا نیست. روزیونیم در سطح
بین‌المللی امروزه عمدتاً در اشکال روزیونیم "مدرن"،
روزیونیم "سه‌جهانی"، "کمونیسم اروپائی" و تروتسکیسم خود

راستان میدهد. علاوه رویزونیسم پوپولیستی نیز سه مشابه
سوسیالیسم خرده بورژوازی تحت پوشش مارکسیسم، سوسیالیزم در
کشورهای تحت سلطه امپریالیسم امروزه به مانع مهمی بر سر راه
استقلال و رشد جنبش کارگری و کمونیستی در اینگونه کشورها بدل
شده است.

حزب کمونیست ایران بعنوان مظهر و مدافع استقلال
اندولوژیک و سیاسی طبقه کارگر ایران در ادامه مبارزه
برورمند مارکسیسم انقلابی بر علیه رویزونیسم پوپولیستی
سنگین شده است. موفقیت حزب کمونیست ایران در بسط و تحکیم
نفوذ خود در میان وسیعترین توده های کارگرو زحمتکش و توانائی
آن در سازماندهی و رهبری انقلاب سوسیالیستی در گرو مبارزه قاطع
با اعدای مختلف رویزونیسم در جنبش طبقه کارگر است. مبارزه
علیه رویزونیسم همواره و در همه حال یک وظیفه حیاتی و اصلی حزب
کمونیست ایران را تشکیل میدهد.

مفاد مبارزه با طبقاتی جهانی رویزونیسم و ایجاد ستاد رهبری
پرولتری در سطح جهان که مبارزه طبقه کارگر در کشورهای مختلف
را تحت پرچم مارکسیسم - لنینیسم هدایت سازماندهی و هماهنگ
سازد، یک وظیفه اساسی کلیه احزاب و نیروهای کمونیست در برابر
جهان است. تحقق این امر در گرو تلاش برای ایجاد یک بین الملل
سوسیالیستی است و ما در این راه پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد.

۱۱. حاکمیت رویزونیسم بر حزب کمونیست شوروی به شکست و
عقب رانده شدن طبقه کارگر جهانی از یک سنگر مهم خود انحصاری
است. اکنون بورژوازی در شوروی موفق شده است که دیکتاتور
پرولتاریا را از زمین ببرد و حاکمیت سیاسی خود را در این کشور

احتمالاً نماید. حزب کمونیست شوروی به حرسی بورژواشی بدل شده است و بورژوازی با اتکا بر آن، پیشروی اولیه پرولتاریای شوروی در جهت ماحضان سوسیالیسم را به نکت گنا نموده و سرمایه داری انحصاری دولتی را در این کشور مستقر نموده است. شوروی کشوری امپریالیستی است و بورژوازی شوروی در راه یکی از اردوگاههای امپریالیستی جهان، با اتکا بر سیاستهای بحاورگرانه و میلیتاریستی برای به انقباض گنا شدن ملل ضعیف و حفظ و تحکیم موقعیت خود در تقسیم امپریالیستی جهان پلان میکند و در عین حال مکتوبات با تکیه بر تحریفات روبریونسی ما رکسیم منظور حفظ حاکمیت خود بر پرولتاریای شوروی و کشورهای تحت سلطه خویش و به انحراف کشیدن جنبشهای کارگری و انقلابی در سراسر جهان، ماهیت امپریالیستی و ضد انقلابی خود را تحت نام سوسیالیسم و ما رکسیم پنهان سازد. شوروی امروز بر حصار و نقطه اتکا روبریونسم "مدرن" است و دفاع از این کشور از ریحی رفرمهای اقتصادی شورواشی در کشورهای تحت سلطه - رفرم هاشی که در عصر انقلابات پرولتری ما هینا ارتجاعی اند - ساختی ربا کارانه در جهت به انحراف کشیدن جنبشهای ضد امپریالیستی و استراری برای گسری و تحکیم موقعیت خویش در رقابتهای جهانی امپریالیستی است.

در حین نیز با تسلط قطعی روبریونسم بر حزب کمونیست این کشور، طبقه کارگر بطور کامل از قدرت سیاسی بیرون رانده شده و قدرت بورژوازی و نظام سرمایه داری در آن تحکیم یافته است. امروزه حسی به اردوگاه ضد انقلاب امپریالیستی جهان تعلق دارد و بر حصار و نقطه اتکا روبریونسم "سه جهانی" و در کنا را امپریالیسم آمریکا عمدتاً مدافع عمیق ترین انکال ارتجاع بورژواشی است. اما علیرغم همه شکستهای موقتی که بورژوازی و امپریالیسم بر طبقه کارگر و نوآمده های ستمکش تحت رهبری او تحمیل کرده اند،

و علیرغم تمام موانعی که بر سر راه انقلاب پرولتری قرار میدهند، مبارزه طبقاتی پرولتاریای جهانی ادامه یافته و پیروزی نهائی او اجتناب ناپذیر است.

۱۲

ورود سرما به داری به مرحله امپریالیسم، تکمیل تقسیم جهان میان دول و قدرتهای امپریالیستی، رشد سرما به داری در کشورهای تحت سلطه بویژه پس از جنگ دوم جهانی و مکان خاصی که هر یک از این کشورها در تقسیم جهانی امپریالیسم یافته اند، و همچنین تبدیل شوروی به یک قدرت امپریالیستی جدید، از جمله مهمترین عواملی هستند که بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی را در مبارزه واحد برای رهایی با شرایط عینی متفاوت و موانع عملی مختلفی روبرو ساخته اند. این امر کمونیستها را ملزم مبارزات برای رسیدن به هدف نهائی و مشترک خود، در هر کشور مبارزه برای اهداف فوری متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهند.

در کشورهای امپریالیست اروپای غربی و آمریکا، که در ادامه نیکامی سرما به داری از ابتدای قرن بیستم به قدرتهای بزرگ امپریالیستی بدل شده اند، سودهای کلان حاصل از صدور سرما به واسطه رشد یکدگران و زحمتگنان کشورهای تحت سلطه، زمینه عینی شکل گیری و بقا یک اشرافیت کارگری، یعنی بخشی از طبقه کارگر که مستقیم و یا غیرمستقیم از این فوق سود بهره مند میگردد، را بوجود آورده است. این اشرافیت کارگری که فاقد هر گونه حمله انقلابی است به منافع و آرمانهای طبقه کارگر پشت کرده و به مبنای مادی نفوذ و بقای ایدئولوژی بورژوازی در طبقه کارگر و سازمانهای سیاسی آن بدل گشته است. نفوذ وسیع جریانات

روبرویستی، رفرمیستی و ایورتونیستی در جنبش طبقه کارگر
این کشورها به سوزووازی امکان داده است تا در عین حال که شکل
دمکراسی سوزوواسی را منشا به بوشی برای اعمال قهر طبقه‌بانی
خود حفظ میکند، با جنبشهای کارگری بنحوی موثری مقابله کرده و
تکسهای متعددی به این جنبشها تحمیل کند.

ارسوی دیگر در کشورهای تحت سلطه، که حوزه‌های صدور سرمایه
و سودآوری کلان سرمایه‌های امپریالیستی را تشکیل میدهند در آن
طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش تحت شدیدترین شرایط استثمار
قرار دارند، بقای حاکمیت سوزووازی و حفظ منافع سرمایه
امپریالیستی بطرز گریزناپذیری به نفعی همه‌جانبه دمکراسی
و استقرار خشن‌ترین و سرکوبگرانه‌ترین رژیمهای دیکتاتور
سوزوواسی و امپریالیستی بستگی یافته است. از آن سرودر
کشورهای تحت سلطه مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی امکان
رند مناسبت و دیگر توده‌های زحمتکش بدرجات مختلف این قابلیت
را دارند که در کنار طبقه کارگر مبارزه انقلابی کشیده شوند.

در شوروی و کشورهای اروپایی وابسته به این اردوگاه
امپریالیستی، احزاب رولینست حاکم مواضع جدید و ویژه‌ای بر
مسیر راه جنبشهای رولینری در این کشورها قرار داده‌اند. این
احزاب قدرت دولتی را در این کشورها بیش از پیش متمرکز بخشیده و
کنترل بوروکراتیک - نظامی دولت سوزوواسی را بر کل جامعه
در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بشدت گسترش داده‌اند،
سرمایه‌داری انحصاری دولتی حاکم در این کشورها را سوسیالیسم
قلمداد کرده و مسرات انقلابات رولینتری جهان را به اسزاری
برای دام زدن به توهمات توده‌های کارگر به دولت سوزوواسی
بدل ساخته‌اند.

با اینکه در کشورهای سرمایه‌داری تحت سلطه امپریالیسم
سوسیالیسم تنها پاسخ انقلابی و قطعی به سرمایه‌داری محض

عصرا میریالیسم است، اما تحقق آن در این کشورها از طریق یک سلسله انقلابات و قیامهایی بوقوع می پیوندد که به اشکال مختلف راه تسخیرنهایی قدرت توسط پرولتاریا را هموار میکنند. لذا جنبشهای انقلابی و انقلابات دمکراتیک ورها نپیش در کشورهای تحت انقیاد امپریالیسم، نظیر مپا رزات انقلابی ملل تحت ستم در سراسر جهان برای کسب حق تعیین سرنوشت، همگی در عصر کنونی نیروی ذخیره و اجزاء بالقوه انقلاب سوسیالیستی جهانی پرولتاریا بشمار میروند.

۱۳

ایران کشوری سرما به داری و تحت سلطه امپریالیسم است. حمله مشخصه مناسبات تولیدی آن را استثمار شدید و وسیع نیروی کار را رزان طبقه کارگر تشکیل میدهد. بهره کشی از این نیروی کار ایران جز لایسک و شرط ضروری انباشت متعارف سرمایه در ایران است. این شرایط و مناسبات، که مبنای آنرا سلطه امپریالیسم بر تولید اجتماعی و بازار داخلی تشکیل میدهد، سرمایه های غیر انحصاری را، علی رغم رقابتی که بر سر منملک دسرح طبقه کارگر و توده های زحمتکش غیر پرولتاریا سرمایه انحصاری دارند، ایضا در ابقاء سلطه امپریالیسم و انحصارات امپریالیستی بر حیات اقتصادی و سیاسی کشور ذینفع میسازد، یعنی وحدت منافع بنیادی اقشار مختلف بورژوازی، اعم از انحصاری و غیر انحصاری، در حفظ و ابقاء این شرایط استثمار گسترده و شدید، رفاهت های درونی آنها را تحت الشعاع قرار میدهد.

در میان دو قطب پرولتاریا و بورژوازی، طبق گسترده ای از تولیدکنندگان و توزیع کنندگان خرد در شهر و روستا قرار گرفته اند

که سخن فاسل ملاحظه‌ای از جمعیت فعال کشور را سنگدل می‌دهند .
وجود این خرده‌بورژوازی وسیع، یک ویژگی مهم تقسیم‌بندی
طبقاتی در ایران است . با رشد سرمایه‌داری در ایران سیزدهمین
ارواح با ارضی دهه چهل، سخن مهمی از این خرده‌بورژوازی
عمده در شهرها ، از آنجا که توانسته است در حاشیه سرمایه‌های
بزرگ و انحصاری صنعتی و تجاری به کسب و کار بپردازد ، از موقعیت
اقتصادی مساعدی برخوردار بوده است . اما بوده وسیعتری از این
خرده‌بورژوازی و عمده تولیدکنندگان کوچک روستایی به‌طور
رورافروسی به ورطه ورشکستگی و فلاکت کشیده شده اند . قسمت اعظم
اما به‌محمول این تولیدکنندگان خرده‌طبقه مختلف توسط
سرمایه‌های تجاری و رستایی و بانکها و غیره تصاحب مسود . سطح
معیشت این اقشار نیز اساساً در رابطه با نیازهای سرمایه‌ساز
به منابع وسیع نیروی کار از آن به حد بسیار ناگهانی می‌باشد .
این رستمگاران غیرپرولتاریه مستمرا در معرض جدایی از وسایل
کسب و کار خود و بیوسن بصورت کارگران مزدی قرار دارند ، غیر-
سنتیم و با لغوه جزئی از ارتس ذخیره کار در کشور سرمایه‌ساز می‌روند .

ایران از نظر اقتصادی اساساً حوره‌ای برای سودآوری کسان
سرمایه‌انحصاری و انحصارات امپریالیستی محسوب می‌شود که
در حال حاضر در تقسیم موجود جهان میان دول و دسته‌بندی‌های
اقتصادی و سیاسی امپریالیستی حریف حیطه نفوذ و سلطه
امپریالیسم آمریکا و درجه کمتری اروپای غربی و ژاپن قرار
دارد . نیروی کار وسیع و ارزان طبقه کارگر که سرمایه‌های وسیع
رستمگاران فقیر غیرپرولتاریه در شهر و روستا ذخیره عظیمی برای آن
سرمایه‌ساز می‌روند ، منابع غنی نفتی و دیگر مواد اولیه ، بازار وسیعی
که برای محصولات کشورهای امپریالیستی موجود آمده است و
مکان جغرافیایی ویژه ایران در محاوره خلیج فارس و اریکسون
نیروی انسانی دیگر ، همه این عوامل ایران را از نقطه نظر منافع

اقتصادی و سیاسی امپریالیست‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار
می‌آید.

امروز وضعیت ایران بمثابة یک کشور تولیدکننده و
صادرکننده نفت در تقسیم کار جهانی امپریالیسم تثبیت شده
است. صنعت نفت و درآمد حاصل از تولید و صدور مواد نفتی در
سرما به داری ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که
نه فقط سودهای هنگفت و درآمد سرشاری نصیب کارتل‌های نفتی
می‌کند، بلکه برای دولت بورژوازی ایران نیز منبع درآمد
عظیمی بحساب می‌آید و گردش درآمد‌های نفتی دولت در بازار
داخلی، چه بصورت مخارج مصرفی دولت و چه در شکل سرما به‌گذارها
و اعتبارات بانکی دولتی و در اشکال گوناگون دیگر، انباشت
سرما به در سطح کشور را سرعت و وسعت می‌بخشد. استثمار کارگر
ایران و توده‌های رحمتکش را تشدید کرده و دامنه آن را گسترش
می‌دهد و زمینه‌های بسیار مساعدی برای سودآوری کلان سرما به در
رسته‌های مختلف تولید و تجارت فراهم می‌آید. به این ترتیب
درآمد دولت بورژوازی بمثابة عاملی در خدمت انقیاد
اقتصادی و سیاسی هر چه بیشتر طبقه کارگر بورژوازی و
امپریالیسم عمل می‌کند.

حفظ این مناسبات و تداوم موقعیت ایران بمثابة یک کشور
سرما به داری تحت سلطه امپریالیسم و تحمیل این شرایط استثمار
شدید بر توده‌های کارگر و رحمتکش، برای بورژوازی مستلزم
برقرار کردن حش‌ترین رژیم‌های دیکتاتوری و دست زدن به
وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوبگرانه است. بعبارت دیگر روینای
مناسبات سرما به داری ایران، دولتی مبتنی بر دیکتاتوری،
فهر و انجاع عربان است.

درحین شرایطی پرولتاریای آگاه ایران و حزب کمونیست
اومی با ابتدا در وهله اول مسا عدترین زمینه‌ها و پیش شرط‌های
اقتصادی و سیاسی را برای هرچه فسرده‌تر کردن صفوف خود، برای
جلب بخش هرچه وسیعتری ارکارگران و زحمتکشان به زیر پرچم خود و
برای حرکت بهایی خود به سوی انقلاب سوسیالیستی، فراهم آورد.
تحقق این پیش شرط‌های اقتصادی و سیاسی درجا مع تریس و
کاملترین شکل خود را طریق یک انقلاب دمکراتیک پیروزمند
امکان پذیر است. انقلابی که غیر از پرولتاریا، اقشار وسیع
زحمتکش و ستمدیده غیر پرولت در آن ذینفع و سهممند. این انقلاب
طلبه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای ایران و حزب لایمجزای
انقلاب سوسیالیستی جهانی است.

مضمون سیاسی و اقتصادی پیروزی انقلاب دمکراتیک تحقق
بخش حداقل برنامه پرولتاریا است.

مضمون سیاسی بخش حداقل برنامه پرولتاریا را در هم نکتی
ما این دولتی بورژوازی و استقراریک حکومت دمکراتیک که
ایز را اعمال اراده و حاکمیت کارگران و زحمتکشان با دستکش
مدهد. این حکومت ما من آنحنا دمکراسی وسیعی خواهد بود که
در آن مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی میتواند
آزادانه ترین، آشکارترین و وسیعترین شکل بسط و تکامل یابد.
مضمون اقتصادی بخش حداقل برنامه پرولتاریا را نفسی
عملی سلطه امیرالسم بر شرایط ریست و کار پرولتاریا و توده‌های
زحمتکش و تهیدست، تا مین رفاه نسبی کارگران و زحمتکشان و رفع
موانع اقتصادی بسط مبارزه طبقاتی تشکیل میدهد. تحقق این
امر علاوه بر افزایش توان طبقه کارگر در مبارزه برای رهاسازی
قطعی، پیوستن زحمتکشان غیر پرولت به این مبارزه را تسهیل
خواهد کرد.

بنا بر این برنامه حداقل پرولتاریا هم از لحاظ اقتصادی
و هم از لحاظ سیاسی برنامه‌های ضد امپریالیستی است که بویژه
مناسب‌ترین شرایط اقتصادی و سیاسی مبارزه پرولتاریا برای
انقلاب سوسیالیستی را فراهم می‌سازد.

ما اعلام می‌کنیم که شرط لازم پیروزی انقلاب دمکراتیک ایران
تا مین رهبری پرولتاریا و حزب کمونیست او در صفوف جنبش انقلابی
است، و در همین حال تاکید می‌ورزیم که برای پرولتاریای انقلابی
و حزب او پیروزی در انقلاب دمکراتیک پایان کار نیست و او از این
انقلاب بیدرنگ و درست به میزان نیروی خویش، یعنی نیروی
پرولتاریای آگاه و متشکل، به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهد کرد.
ما کمونیست‌ها خواهان انقلاب بی وقفه ایم.

۱۵

انقلاب ۱۳۵۷ در ایران که بر زمینه بحران اقتصادی و واسط
سالهای ۵۰ شکل گرفت در اولین مراحل خود با قیام بهمن ماه
۱۳۵۷، رژیم سلطنت را که مدافع آشکارا استثمار و ارتجاع
امپریالیستی در ایران بود به ریزش کشید. اما بدلیل فقدان صف
مستقل پرولتاریا و عدم تا مین رهبری او بر جنبش انقلابی، رهبری
جنبش در اختیار جریاناتی قرار گرفت که از همان پیش از قیام
خواستار مصون داشتن دستگاه دولتی بورژوازی از ضربات انقلاب
و حفظ پایه‌های اساسی حاکمیت سرمایه و امپریالیسم در ایران
بودند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، برجای رژیم سلطنت
نشست.

رژیم جمهوری اسلامی با معانعت از اعمال اراده دمکراتیک
توده‌ها در تعیین سرنوشت و اداره امور خود پس از قیام بهمن، با
باز پس گرفتن دستاوردهای دمکراتیک قیام، با استقرار حکومت

مدهی و یکا رگرفتن مواضع و سپادهای مدهی در خدمت سرکوب
بوده‌ها، بازاریاری ارتش و شور و کراسی مافوق مردم و اسخا دارگانهای
خدمت سرکوب ظفاسی سورزواری و باسختل فقر و فلاکت شدیدسه
بوده‌های کارگرو و حتمکن نقش صدا افلاسی خود را در خدمت اعاده اوضاع
مطلوب سورزواری و امیرالاسم بافا سموده و دیکناسوری سورزواری
را در غرابسری و وحننا به سیرین شکل آن در ایران برقرار کرده است .
سرنگوسی رژیم جمهوری اسلامی و طیفه سرم برولنا ربا و حتمش
انقلابی را سکتیل میدهده .



آن نظام سیاسی که می باید با سرنگوسی رژیم جمهوری اسلامی
جا بگرس آن کرده‌ها با بدجمهوری باارلماسی باشد . تحریره سراسر
چینان ، و سر تحریره ایران ، بخوسی ثابت کرده است که باارلمان همچون
ارتش ، پلیس و دستگاه شور و کراسی دولت ، یعنی اسرارهای
حکومت بر ما بدهد از ان اعمار سلطنتی و جمهوری اسرار سرکوب و
بحمق بوده‌ها است .

ما برای یک جمهوری دمکراتیک انقلابی مبارزه میکنیم که
سبغه قیام و مبارزه شهرآمر بوده‌ها بوده و معاومت و سبلاهای
سرووهای را که برای حفظ و با اعاده در رسمهای اسنادی جمهوری
اسلامی و سلطنت فعالیت میکنند در هم کوبد .

اس جمهوری برارگان زیرمنگی خواهد بود :

الف - حاکمیت مردم مستی بر دمکراسی سوراتی

ب - بر حنده شدن ارتش و سایر سرووهای مسلح حرفه‌ای
جدا از مردم و جایگزین شدن آنها با سلیح عمومی
مردم

ج - برچیده شدن بوروکراسی دولتی مافوق مردم و
حاکمیتی آن توسط نظام دموکراتیک اداره کشور.

جمهوری دموکراتیک انقلابی ایران باید بنیاد رنگ کلیه
اقدامات و مطالبات سیاسی، اقتصادی و رفاهی بخش حداقل این
برنامه را بعنوان رئوس اصلی قانون اساسی، قانون کار
دموکراتیک و قوانین مربوط به رفاه اجتماعی اعلام نماید و مورد
اجرا بگذارد.



۱ - حق حاکمیت مردم، اعمال حاکمیت توسط شوراهای
مردم که هم‌بمنا به قانونگذار و هم‌بمنا به مجری قانون
عمل خواهند کرد، تشکیل کنگره سراسری نمایندگان
شوراهای مردم بعنوان عالیترین ارگان حکومتی
کشور؛

۲ - برچیده شدن ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای
مسلح حرفه‌ای جدا از مردم و سازمانهای جاسوسی و
اطلاعاتی مخفی، تسلیح عمومی مردم، آموزش نظامی
مردم در تمام سطوح؛

۳ - حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام
افراد بالای ۱۶ سال اعم از زن و مرد، حق هر فرد
بالا از ۱۸ سال برای انتخاب شدن در هر نهاد و
ارگان نمایندگی؛

۴ - ترک مستقیم مردم در اداره امور کشور، لغو و کسب اسباب استانداران، فرمانداران، بخنداران و شهرداران از سوی دولت، انتخابی بودن اسباصات در کلسطوح توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کند، افرادی که به این ترتیب در معادرا مور قرار میگیرند بدون استثناء حقوقی برابر دستمزد یک کارگرما هر در یافت میدارند، حق افراد به اقامه دعوی علیه هر مقام دولتی در دادگاههای عادی؛

۵ - انتخابی بودن قصات و سایر مقامات قضائی: قابل عزل بودن آنان هرگاه که اکثریت اصحاب کنندگان اراده کند، لغو و کسب هرگونه دادگاههای ویژه، علمی بودن کلسه محاکمات؛

۶ - نظارت کامل مردم بر سباصات خارجی، لغو و کسب سباصی سری، سباصاتی برابری حقوق کلسه ملل و سبصاصی مادی و معنوی از جنسهای انقلابی کارگری، دمکراتیک و فدا میریایلیسی در سراسر جهان؛ افسا و لغو قرار دادهای اسارت با راقتمادی، سیاسی و نظامی امیریایلیستی؛

۷ - حدائی کامل مذهب از دولت؛ لغو و کسب: هرگونه امتیاز و تسعیش در مناغل دولتی و حقوقی قانونی افراد بر حسب مذهب و مقام مذهبی آنان، و بسا اعتقاد و عدم اعتقاد آنان به مذهب؛

هرگونه پرداخت کمکهای مالی و غیرمالی دولتی به
فعالیتها و موسسات مذهبی؛
هرگونه مواد درسی و رسم و آئین مذهبی اجباری در
مدارس و موسسات تعلیم و تربیت دولتی؛
هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی کشور شناخته
نمیشود، مذهب امر خصوصی افراد تلقی میشود و کلیه
افراد کشور در اختیار کردن هرگونه مذهب و یا نداشتن
هیچگونه مذهب آزادند؛

۸ - حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، کلیه ملل ساکن
ایران آزادند که سرنوشت خویش را بهر شکل و منجمله با
جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل تعیین کنند.
جمهوری دمکراتیک انقلابی باید بر اساس اتحاد
و طلبا به ملتها، و نه الحاق اجباری آنها تشکیل
گردد.

لغوا کید هرگونه زبان رسمی اجباری؛ آزادی ملیتها و
قومها در نگار بردن زبان مادری خویش در مدارس،
ادارات، رسانه های جمعی و غیره در کلیه نقاط کشور؛

۹ - آزادی بی قید و شرط سیاسی؛ آزادی عقیده، بیان،
مطبوعات، آزادی اجتماعات، انتخابات، تظاهرات،
اعتصاب، تحصن، تشکیل سندیکا، اتحادیه و هرگونه
تشکل صنفی و سیاسی؛

۱۰ - برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و لغو هرگونه
تبعیض قانونی بر اساس جنسیت؛

۱۱ - مساوی کامل حقوق قانونی کلیه افراد کشور صرف نظر
از مذهب و مراسم و عقیده سیاسی، رفع هرگونه تبعیض و

محدودیت قانونی از اقلیت‌های مذهبی و رفع هرگونه
محدودیت در حقوق قانونی افراد بر حسب مرام و عقیده
سیاسی؛

۱۲- آزادی انتخاب شغل و محل سکونت، آزادی سفر و اقامت
در تمام نقاط کشور برای کلیه افراد و ممنوعیت قانونی
هر فرد و محل سکونت او بر رفع دخالت‌های پلیسی در
زندگی خصوصی افراد.



در شرایطی که تا مین حداقل معیشت و رفاه، برای کارگران
مستلزمین در دادن بکارشان به روزی و نایق و طاقت فرسای است
که نیرو و وسعت درستی آنان را تحلیل میبرد و امکان و فرصت رشد
معنوی و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی را از آنان سلب
میکنند. ما برای ناسمین آسایش و رفاه مادی کارگران و سه‌مسطور
معمول دانش طبقه کارگران را به روحی و جسمی و افزایش توان
اودر مبارزه برای رهایی قطعی از بیوع ستم و استثمار سرمایه‌داری،
تحقیق بکارت بر سر اسرای کلیه کارگران خواستاریم؛

۱- تقلیل کار هفتگی به حداکثر ۴۰ ساعت و مقرر شدن
حداقل دوروز تعطیل مساوی در هر هفته برای هر کارگر؛
افزایش مرخصی سالانه به ۳۰ روز علاوه بر تعطیلات
رسمی یا برداخت حقوق و مزایای کامل؛

۲- تعیین حداقل دستمزد رسمی با تصویب نمایندگان
سراسری منتخب کارگران بر پایه هزینه‌ها و سائل معیشت
و رفاه خانواده ۵ نفری و افزایش سطح دستمزدها

متناسب با بالا رفتن بهای وسائل معیشت و سایر نظر
داشتن بهبود سطح زندگی؛

۳ - تعیین دستمزد، مزایا و مدت استراحت در فواصل کار
روزانه بر حسب سختی، مخاطرات، وضعیت بهداشتی و
دیگر شرایط فیزیکی کار با تصویب نمایندگان منتخب
کارگران؛

۴ - ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و احاله تصمیم
نهائی در همه موارد اخراج به رای مجمع عمومی
کارگران و احد مربوطه، نظارت نمایندگان منتخب
کارگران بر استخدام؛

۵ - ممنوعیت هرگونه اضافه کاری؛

۶ - ممنوعیت شب کاری (۱۰ شب تا ۶ صبح) در تمام رشته‌ها
به استثناء رشته‌هایی که بدلائل فنی و یا رفاه اجتماعی
شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر است، پرداخت
دستمزد و مرایای دوبرابر برای کار شبانه،
پرداخت حق شیفت برای نوبت کاری؛

۷ - ممنوعیت هرگونه کار - مزدی (اعم از قطعه کاری و کار
کنترتی) و ممنوعیت پرداخت دستمزد به صورت جنسی و
غیر نقدی؛

۸ - ممنوعیت هرگونه جریمه و کسر دستمزد به بهانه‌های
مختلف، پرداخت حقوق برای غیبت‌های موجه، دوران
بیماری و نقاهت، زمان اعتصاب و هرگونه توقف
تولید بدلائل مختلف و یا به بهانه‌های کارفرما؛

۹ - اجناس رمان صرف غذا، استحمام بعد از کار روزمان
سکسل مجمع عمومی و شرکت کارگران در کلاسهای
خواندآموزی جز، ساعات کار کارگران،
سامین هزینه ایات و دهات از طرف کارفرما،
پرداخت مبلغی معادل دستمزد یکساعت کار رمان
صرف شده برای ایات و دهات :

۱۰ - ضمن ایمنی و بهداشت محیط کار و تسهیل محاضرات
محیط کار به حداقل ممکن، مسفل از ملاحظیات
بود حیوانه نظارت و معاينه سرکي منظم در برابر
محاضرات و نمازيهای ناشي از نوع کار به هزینه
کارفرمایان و دولت :

۱۱ ✓ - کمک مالی کارگران در مقابل مدمات و خسارات ناشی
از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج از آن رخ دهد
و بدون اینکه کارگر بسیاری به ایات تصور کارفرما
را مدیریت و احد تولیدی داشته باشد، به هزینه
کارفرمایان و دولت یا تسخیر و نظارت نمایندگان
تسخت کارگران؛ پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر
سوانح و مافات ناشی از کار دچار بیماری و نقص عضو
میسند و یا توانایی کار کردن را از دست میدهند،
پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی به کارگران
موردا حیر،
لعو پرداخت حق بیمه از طرف کارگران :

۱۲ ✓ - تعلیل حداکثر سن بازنشستگی به ۵۵ سال و یا پس از
۲۵ سال سابقه کار و پرداخت حقوق و مزایای کامل به
کارگران بازنشسته از طرف دولت؛ پرداخت حقوق و

مزایای کامل بازنشستگی کارگران متوفی به افراد
تحت تکفل آنان، ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی
همراه با افزایش سطح دستمزدها،
در نظر گرفتن مجموع سنوات کار کارگران در کارخانه‌ها
و یا دوره‌های مختلف در احتمال پایه حقوق و مزایای
کارگران؛

۱۳- مزد برابر برای زنان و مردان در ازا کار برابر؛

۱۴- ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار، ۱۶ هفته
مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر
بدون کسر حقوق و مزایا؛ مقرر شدن دوروز مرخصی ماهانه
اضافی برای زنان با پرداخت حقوق و مزایای کامل؛

۱۵- کاهش رور کارمادران شیرده به ۷ ساعت شامل دو
نوبت تنفس و استراحت نیم‌ساعته در فواصل حداکثر
سه ساعته؛

۱۶- ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان
زیر ۱۸ سال؛

۱۷- تامین نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات
ساکنی مسکونی، از قبیل: سالن اجتماعات، سالن
استراحت، غذاخوری، حمام و دستشویی، زمین و سالن
ورزش، شیرخوارگاه و مهدکودک، درمانگاه، کتابخانه
و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرمایان
و دولت؛

۱۸- تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاهها و واحدهای

تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان
منتخب کارگران؛

۱۹- تشکیل دادگاه‌های حل اختلافات با هیات منصفه‌ای
متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت
در موارد اختلاف کارگر و کارفرما؛ هزینه تشکیل
دادگاه‌ها باید تماماً بر عهده کارفرمایان باشد؛

۲۰- تشکیل هیات‌های بازرسی کارگری به انتخاب
کارگران؛ این هیات‌ها از چگونگی نکات فوق در کلیه
واحدهای تولیدی و بطور کلی تمام ماکنی که کارگران
در آن مشغول به کارند (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و
حسابرسی خواهند کرد.



همچنین به منظور ارتقاء سطح فرهنگ و رفاه عمومی کد
سئوید خود را بر بیوستن سایر چمنستان‌ها معده را به مبارزه طبقه
کارگر برای رهایی قطعی تسهیل خواهد کرد، تحقق نکات زیر را
مطالبه می‌نمائیم:

۱- سهم‌بکاری مکفی بر پایه حداقل دستمزد برای هر
فرد بکار با لای ۱۸ سال؛

۲- تامین و تضمین مسکن مناسب (از طرف صاحبان
و خدمات شهری) برای کلیه افراد کشور و اقدامات عاجل
در این زمینه از طریق: صادره کلیه راضی و مسخواران
و ماکنی تجملی و راشد شروتمندان، ساختمانهای ادارات

ودوا بپردولتی زائد، هتل ها و مهمانسراهای لوکس و
اجرای پروژه های کوتاه مدت خانه سازی در اراضی
مها دره شده به هزینه دولت ، با تشخیص و توسط
ارگانهای دمکراتیک مردمی؛

۳ - بهداشت و درمان ملی، رایگان و مناسب برای کلیه
افراد و اتباع کشور؛ انحلال طب خصوصی و معاينه
اجباری سالانه و منظم تمام افراد و اتباع کشور؛

۴ - آموزش رایگان در کلیه سطوح و برای کلیه افراد؛
اجباری بودن آموزش تا سن ۱۸ سال؛

۵ - احداث تسهیلات فرهنگی و رفاهی در تمام مناطق محروم،
اعم از شهری و روستایی، از قبیل برق، تلفن، لوله کشی
آب آشامیدنی، حمام، راه، مدرسه، درمانگاه، ورزشگاه،
سالن اجتماعات و غیره به هزینه دولت؛

۶ - ایجاد موسسات خدماتی ویژه بمنظور کاهش بار کار
خانگی، از قبیل رختشویخانه، غذاخوری، مهدکودک،
شیرخوارگاه و غیره در محلات مسکونی؛

۷ - لغو هرگونه مالیات غیر مستقیم؛

۸ - قرار گرفتن کلیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که
فاقد تأمین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده
میشوند، تحت تکفل دولت و همچنین تأمین زندگی
و رفاه معلولین و سالخوردهگان توسط دولت؛

۹ - لغو هرگونه عوارض دولتی در مواردی چون نسبت تولد،

از دواج و طلاق، مدوراسنا دو مدارک تحصیلی و
گواهینامه های فنی و رایگان بودن امرکفن و دفن؛

۱۰- ممنوعیت ازدواج دختران و پسران کمتر از ۱۸ سال
و آزادی تمام افراد بالاتر از ۱۸ سال در تشکیل خانواده
به اراده خود؛ برسمیت شناخته شدن ازدواج از طریق
تست دردفا تر دولتی؛ ممنوعیت تعدد زوجات، برابری
حقوق زن و مرد در امر طلاق و تکفل فرزندان.



ما همچنین بمنظور تسهیل امر بسط ما رزه طبقاتی در روستا
و یا لابردن رفاه زحمتگشان روستا، برناممداررضی زیر را اعلام
میداریم:

در سال املاجات امیرالیمسی سالهای ۴۰، نوددهای
وسعی از دهقانان از مالکیت زمین و دیگر وسائلمعمده
تولید خدانشده و بصورت کارگران مزدی رواند سازار کار
شده اند. همچنین افتار زیادی بصورت دهقانان فقیر
خرده بائی (نعمه پرولتر) درآمده اند که درآمدشان از تکه
زمینی که دارند کفاف حداقل معیشتشان را نکرده و ناچار
از فروش نیروی کار خویش در قسمی از مال میباشند.

مسئله ارضی به مفهوم برجیدن قید و بندهای فئودالی
بر سر راه رشد سرمایه داری در روستا، از میان رفتن اقتصاد
طبیعی و جایگزین شدن اقتصاد کالائی بجای آن و "آزاد"
شدن و کالا شدن نیروی کار راجل شده است، و در این معماحل
مسئله ارضی دیگر مضمون اقتصادی انقلاب دمگراتیک را
تشکیل نمیدهد.

نصاب زمینهای وسیع توسط بورژوا - ملاکان و آهنگ
کنندگان است سرما به در روستا، زمینهای مادی خواست ارضی را
از جانب زحمتکشان روستا در شرایط کنونی تشکیل میدهد.
از اینرو ما اعلام میداریم که:

۱ - از جنبه های انقلابی و دمکراتیک جنبش دهقانی، مجموعه
از مصادره ارضی توسط زحمتکشان روستا حمایت میکنیم
اقدامات شوراهای وارگانهای دمکراتیک محلی در مناطق
روستایی را در اداره و بهره برداری از اراضی برسمیت
میشناسیم.

ما بعنوان یک اصل کلی، از آن شیوه ها و اشکال اداره و
بهره برداری حمایت میکنیم که با در نظر گرفتن ویژگی -
های موجود در نظام مالکیت و روشهای تولید و
بهره برداری در مناطق مختلف کشور حداکثر کمک را به
امریکل پرولتاریای روستا و همچنین بکارگیری
روشهای بسرفته تولیدی بنماید.

۲ - مکتوب ما همراه با تبلیغ مستمر سوسیالیسم مناسبت
راه حل نهائی از میان بردن فقر و استعمار و توضیح
همسرورتی کارگران روستا با پرولتاریای شهر،
پرولتاریای روستا را در تشکیلات مستقل طبقاتی اش
سازماندهی کرده و او را در کسب و اعمال رهبری در شوراهای
وارگانهای دمکراتیک محلی در مناطق روستایی و در
بعضی جگوهی اداره و بهره برداری از اراضی مصادره
شده حمایت و رهبری نمائیم.

۳ - ما خواهان لغو کلیه دیون و بدهی های دهقانان به
زمینداران، دولت و بانکها هستیم.

۴ - جمهوری دمکراتیک افغانستان کلیه اراضی سهیلی و
روشنایی، جنگلها، آبها و منابع با اهمیت ملی را
در سران کشور ملی خواهد نمود. منظور از ملی کردن این
است که کلیه اراضی و منابع تحت مالکیت دولت قرار
گیرد، اما حق بهره برداری و واگذاری آن در اختیار
ارگانهای دمکراتیک محلی و منطقه ای مردم باشد.



ما برای تضمین اهداف و سامان خواسته های اقتصادی و رفاهی
فوق و برای گسترش اعمال اراده متکمل و هر چه وسیع تر کارگران و
رحمکنان در حیات اقتصادی و سیاسی خود انجام اقدامات زیر را
از جانب جمهوری دمکراتیک افغانستان ضروری میدانیم:

۱ - معادله و ملی کردن سرمایه ها در هر سطح و رشته ای که
برای سامان و تضمین اهداف و خواسته های محلی حداقل
این سرمایه لازم باشد، معادله و ملی کردن سرمایه های
انحصاری خارجی و داخلی:

۲ - در اختیار گرفتن صنایع و موسسات دولتی:

۳ - ملی کردن بانکها و ادغام آنها در یک بانک واحد دولتی
و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن:

۴ - ملی کردن شرکتها و سهام آنها در یک شرکت
واحد سهام و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن:

۵ - برقرار کردن کنسول شورا های کارگری بر سولمددر

منابع خصوصی و دولتی در سطوح مختلف : نظارت
شوراهای دمکراتیک مردم‌برار مرتوزیع کالاها، بکنترول
شوراهای دمکراتیک مردم‌برتجارت خارجی؛

۶ - ملی کردن موقوفات و مقرر داشتن مالیات تما عدی بر
ارث و دارائی و بردرآمدهای حاصل از مالکیت وسائل
تولید و مبادله .



ما قاطعانه اعلام میداریم که تا مین پیگیر و همه‌جاستبه
مطالبات سیاسی و اقتصادی حداقل پرولتاریای ایران تنها از
طریق جمهوری دمکراتیک انقلابی ممکن خواهد بود. از اینرو ما
با تمام احزاب و جریانات رفرمیستی که گسترش دخالتهای پلیسی
و بوروکراتیک دولت در زندگی توده‌های مردم را بعنوان گامی
به پیش تبلیغ میکنند، پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد. در عین حال
از هر جنبشی که مخالف نظام اجتماعی - سیاسی موجوده بوده و ببه
نحوی انقلابی در راه تحقق تمام یا قسمتی از نکات بخش حداقل
برنامه حزب کمونیست ایران مبارزه کند، پشتیبانی نمیکنیم .

کارگران جهان متحد شوید!

۱۰۰ ریال